

دلبستگی ادراک شده دوران کودکی و فرایند انطباق تصور از خدا در تدوین مدل تصور از خود

آسیه نجات^۱
دکتر فاطمه شهابی زاده^۲
دکتر باقر غباری بناب^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش دلبستگی ادراک شده دوران کودکی در فرایند انطباق تصور از خدا در تدوین مدلی جهت تبیین تصور از خود بود. ۴۳۳ دانشجوی با روش خوشه ای چند مرحله ای از دانشگاه های بیرجند مقیاس های تصور از خدا، تصور از خود و دلبستگی به والد را تکمیل کردند، جهت تحلیل نتایج از روش مدل یابی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. نتایج نشان داد تصور از خدا به طور کامل ارتباط بین ایمنی به مادر را بر خلاف پدر و تصور از خود را میانجی گری می کند، و تنها ایمنی به پدر به طور مستقیم و غیر مستقیم (از طریق تصور از خدا) تصور مثبت از توانایی اکتشاف خود (توانمندی ذهنی و تلاش و سخت کوشی) را موجب می شود که حاکی از قدرت پایه ایمنی دلبستگی به پدر است لذا نه تنها بررسی نقش دلبستگی ادراک شده به هر یک از والدین در فرایند انطباق یا تصور از خدا مهم می باشد، بلکه فرایند انطباق شکل گیری تصور از خدا تبیین کننده نقش پایه ایمنی دلبستگی به والد در تلاش و سخت کوشی (تصور از خود) و به عنوان میانجی گر این ارتباط است.

واژه‌های کلیدی:

دلبستگی ادراک شده دوران کودکی، تصور از خدا، تصور از خود

^۱- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند asiey.nejat@yahoo.com

^۲- عضو هیات علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی، گروه روانشناسی، واحد بیرجند

^۳- عضو هیات علمی (دانشیار) دانشگاه تهران، گروه روانشناسی، تهران - ایران

مقدمه

به اعتقاد صاحب‌نظران قسمت عمده ویژگی‌های شخصیتی، منش و خصوصیات رفتاری هر فرد به تصویری که از خود در ذهن دارد، یعنی به خودپنداره وی بستگی دارد. در پژوهش‌های جدید روانشناختی، ((خودپنداره)) از جمله موضوعاتی است که توجه زیادی را به خود معطوف ساخته و به عنوان یک موضوع مهم در روانشناسی مطرح است (کازمی و همکاران، ۱۳۸۲). خودپنداره یا تصور از خود به عنوان ادراکات کلی که هر فرد از خود دارد تعریف می‌شود، یعنی یک تلقی عینی از مهارت‌ها، خصوصیات و توانایی‌هایی که فرد از خود دارد (پاپ و مک‌هال^۱، ۱۹۸۸؛ نقل از ملازمانی و فتحی آشتیانی، ۱۳۸۷). بیرن^۲ (۱۹۸۴) با ارائه تعریفی دقیق‌تر معتقد است، خودپنداره به مجموعه احساسات و برداشت‌های فرد از خویشتن اطلاق می‌شود که این خویشتن ادراک شده به نوبه خود به ادراک فرد از جهان و هم بر رفتار او تأثیر می‌گذارد. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که منظور از خویشتن‌پنداری یا تصور از خود، مجموعه افکار، احساسات و نگرش‌هایی است که هر کس درباره خود پرورش می‌دهد.

از آنجایی که تصور هر فرد از خود و یا به عبارت دیگر مفهوم «خود» افراد از همان سال‌های نخستین زندگی و در ارتباط با والدین به ویژه مادر شکل می‌گیرد می‌توان به اهمیت روابط دلبستگی در شکل‌گیری خودپنداره اشاره کرد (خانجانی، ۱۳۸۴؛ نقل از رضانی، ۱۳۹۱). دلبستگی پیوند عاطفی نسبتاً پایداری است که میان کودک و یک یا تعداد بیشتری از افراد ایجاد می‌شود. در ایجاد و تعیین کیفیت این پیوند عاطفی سه مفهوم «قابل دسترس بودن»، «پاسخ دهنده بودن» و «تصویر مادرانه» نقش یگانه و منحصری ایفا می‌کند (مظاهری، ۱۳۸۰؛ نقل از فیض‌آبادی و خسروی، ۱۳۸۸). در واقع دلبستگی یک پیوند عاطفی با فرد دیگر در جهت دریافت حس امنیت است که این حس امنیت در طول زندگی افراد باقی می‌ماند (هارمز، ۲۰۱۱؛ نقل از رضانی، ۱۳۹۱).

روان‌شناسان بر این باورند که رابطه والد-فرزندی بیش از هر چیزی دیگر رشد مفهوم «خود» را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کلین، ۱۹۴۹ و کوهر، ۱۹۸۷؛ نقل از ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). یکی از چارچوب‌های مهم ارزیابی مؤلفه‌های روابط والد-فرزندی،

^۱ -Pope & McHale

^۲ - Byrne, B.M.

نظریه دلبستگی است. نظریه دلبستگی که ریشه در کارهای بالبی (۱۹۶۹) و اینسورث (۱۹۸۹) دارد فرض می کند که تجارب ارتباطی اولیه به ویژه با مراقبان اولیه منجر به تشکیل مدل های شناختی درونی از خود و دیگران، در زمینه ارتباطی می شود (رضانی، ۱۳۹۱).

در پژوهش های متعددی اشاره شده است که کیفیت ارتباط والد-فرزند به طور اساسی با تحول فرایند خود در فرزندان مرتبط است (بویان و پارک، ۱۹۹۵؛ نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۸). به گفته دیکی و همکاران (۲۰۰۶؛ نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۷) کودکان تصورشان از والدین را به دیدگاه خودشان و تصور از خودشان را که شبیه والدین شان است، درونی می کنند. به باور آنها، کیفیت رابطه والد-فرزند که در فرزندان درونی شده، به عنوان یکی از مؤلفه های نظام مؤثر روانی است که تصور از خود را شکل می دهد. وقتی بزرگسالان جوان والدین شان را حامی، قدرتمند و یا تنبیه کننده و سخت گیر تصور می کنند گویا تصور آنها از خودشان نیز به همین گونه است. اسپيرو اوسمان^۱ (۲۰۰۶؛ نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۸) اعتقاد دارد ابعاد نگاره خود به طور قوی از والدین اثر می پذیرد و هر چه بر این نیمرخ تأثیرگذار باشد بر حوزه های خود از قبیل خود واقعی، ایده آل و نامطلوب نیز تأثیر دارد. مطالعه صادقی و همکاران (۱۳۸۷) نیز نشان داد، بین تصور از خود و تصور از والدین ارتباطی معنادار وجود دارد و سهم پیش بینی کننده متغیر تصور از والدین در پیش بینی تصور از خود با واریانس ۳۴٪ است.

با توجه به پژوهش های فوق به نظر می رسد نظام دلبستگی از جمله عوامل پیش بینی کننده تصور از خود باشد. به هر حال علی رغم بررسی های فراوان ذکر شده راجع به رابطه دلبستگی و تصور از خود، نقش عوامل واسطه ای دخیل در این رابطه اغلب مورد غفلت قرار گرفته است که پژوهش حاضر نقش تصور از خدا را به عنوان میانجی گر این ارتباط مورد بررسی قرار می دهد.

در همین چارچوب کرک پاتریک و شیور (۱۹۹۰) در پیشینه تحقیق خود توضیح دادند افرادی که شکل های دلبستگی آنان به صورت عاشق و مراقب بوده، مایلند تصور از خودشان و در نهایت تصورشان از خدا به صورت عاشق و مراقب باشد. بدین ترتیب ادراک دوران کودکی از والدین، پیش بینی کننده تصور از خود و تصور از خدا است. حال

^۱ -Schiro-osman

و بروکاو (۱۹۹۵؛ نقل از صادقی، ۱۳۸۴) گزارش کردند که تحقیقات نشان داده است تصور از خدا بخشی از بازنمایی جهان درونی فرد است و در طبیعت فرد ریشه دارد. کرجسی (۱۹۹۸؛ نقل از صادقی، ۱۳۸۴) نیز اظهار داشت که تصور از خدا بخشی از طرحواره دینی افراد در مورد خداست که به عنوان یک پایه شناختی برای تصور افراد از خدا به کار می رود.

پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که کیفیت تصویر ذهنی از خدا می‌تواند در چگونگی شکل‌گیری مفهوم خود و تصویر ذهنی از خود تأثیر بگذارد (از جمله: بنسون و اسپیلکا^۱، ۱۹۷۳؛ نقل از حدادی و غباری، ۲۰۱۰، ریزاتو، ۱۹۷۹؛ نقل از لارنس، ۱۹۹۷، اسپیلکا و مولین^۲، ۱۹۷۷ و جولی و تائولبی^۳، ۱۹۸۶؛ نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۷، الزی، ۱۹۶۱ و رابرتز^۴، ۱۹۸۹؛ نقل از خاکساری، ۱۳۸۵ و پارگامنت، ۱۹۹۷؛ نقل از غباری، ۱۳۸۸). اما در مطالعات مذکور صرفاً رابطه همبستگی مرتبه صفر دو متغیر مذکور بررسی شده و از آنجایی که تصور از خدا ناشی از فرایند انطباق با دلبستگی به والد می‌باشد، نقش تبیینی فرایند انطباق مذهبی و رشد تحولی تصور از خدای ناشی از مدل‌های روانی از والد بر تصور از خود نادیده گرفته شده است که پژوهش حاضر به این مهم می‌پردازد. نکته حائز اهمیت، منطق چگونگی رابطه بین دلبستگی به والد و تصور از خداست. به عبارتی روابط دلبستگی اولیه بر عملکرد زندگی فرد در طول عمر اثر دارد، در نتیجه اثربخشی دلبستگی و مدل‌های روانی از والد بر چگونگی تصور و ارتباط فرد با خدا بسیار واضح و روشن است. مطالعات کرک پاتریک (۱۹۹۴، ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹؛ نقل از صادقی و مظاهری، ۱۳۸۶) که بحث دلبستگی به حوزه دین وارد کرده بود، دریچه دیگری بر این مسأله گشود. کرک پاتریک^۵ (۱۹۹۹؛ نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۷) معتقد است پناهگاه ایمن و پایه ایمنی که در شکل‌گیری دلبستگی نقش دارند، پایه و اساس شکل‌گیری تصور از خدا^۶ نیز می‌باشند. کرک پاتریک (۱۹۹۲؛ نقل از خوانین زاده و همکاران، ۱۳۸۴) اعتقاد دارد کودک بر پایه تجارب اولیه دلبستگی، روان‌بنه‌های شناختی-هیجانی مربوط به روابط بین فردی را گسترش می‌دهد که این تحول بعدها

^۱-Benson & Spilka

^۲-Spilka & Mullin

^۳-Jolley & Taulbee

^۴-Roberts

^۵-Kirkpatrick

^۶-Image of God

می تواند با یک تصویر دلبستگی فوق طبیعی همراه شود. این یافته مؤید فرضیه انطباقی کرک پاتریک است مبنی بر اینکه دیدگاه افراد از خدا همسان با ارتباط با والد است که در مطالعه حاضر رابطه بین دلبستگی ادراک شده به والد و تصور از خدا در جهت تبیین فرایند انطباقی کرک پاتریک بررسی می شود. اگر چه در این راستا مطالعات متعددی (دیکی^۱ و همکاران، ۱۹۹۷؛ نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۷؛ فیض آبادی و خسروی، ۱۳۸۸؛ کرک پاتریک و شیور^۲، ۱۹۹۲؛ غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۸۹) در فرهنگ های مختلف انجام شده و از مقیاس های متفاوت (مقیاس دلبستگی بزرگسال، مقیاس غیر نرم شده تصور از خدا) استفاده شده است، مطالعه حاضر نقش فرایند انطباق تصور از خدا با دلبستگی به والد را بر تصور از خود بررسی می کند. به هر حال همانطور که ذکر شد اگر چه تاریخچه دلبستگی پیش بینی کننده تصور از خود می باشد، اما این سؤال مطرح می شود که آیا با حضور تصور از خدا، باز هم دلبستگی نقش مستقیم در پیش بینی تصور از خود دارد، یا اینکه از طریق انطباق با تصور از خدا و به طور غیرمستقیم تصور از خود را موجب می شود و در این فرایند دلبستگی به کدام والد نقش مهمتری ایفا می کند.

همچنین اگر چه در مطالعات مذکور خودپنداره مورد بررسی قرار گرفته بود، اما در پژوهش حاضر از پرسشنامه تصور از خود بک استفاده شده است، که در این مقیاس به جای نگرش نسبت به ویژگی ها، کارکرد خود یعنی تصور میزان تلاش و توانمندی ذهنی ارزیابی می شود، که به نظر می رسد تصور از خدا و مرجع قدرت پیش بینی کننده کارکرد خود باشد. به هر حال طبق گفته ریزاتو^۳ (۱۹۷۴؛ نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۷) تصور از خدا و خود، بر اساس روابط موضوعی در دوران کودکی شکل گرفته است. لذا به نظر می رسد در مدل تصور از خود در مطالعه حاضر، دلبستگی به والد از طریق تصور از خدا (فرایند انطباق) تصور از خود را موجب می شود.

بنابراین با توجه به نتایج چالش انگیز و متناقض ارتباط بین تصور از خود و خدا و اهمیت نقش کارکرد های پایه ایمنی دلبستگی دوران کودکی، پژوهشگر بر آن شد با در نظر گرفتن مبانی نظری و پژوهش های مذکور مدلی مفهومی همچون شکل ۱ را مورد آزمون قرار دهد. مسأله اصلی پژوهش کنونی این است که آیا فرایند انطباق تصور از خدا

^۱- Dickie et al

^۲- Kirkpatrick & Shaver

^۳- Rizzuto

می تواند میانجی گر نقش دلبستگی ادراک شده دوران کودکی و کارکرد دلبستگی یعنی پایه ایمنی (اکتشاف و جستجو) باشد که به صورت تصور اکتشافی از خود (تصور توانمندی ذهنی و سخت کوشی) نمود می یابد، و آیا در قالب مدل شکل ۱ برآزش کافی دارد؟ در مجموع مدل ذیل تبیین فرایند انطباق تصور از خدا را به عنوان میانجی گر در چگونگی نقش پایه ایمنی ادراک دلبستگی بر تصور اکتشافی از خود (توانمندی ذهنی و سخت کوش بودن) به تصویر کشیده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تصور توانایی اکتشافی از خود، تاریخچه دلبستگی و تصور از خدا، سازه های مکنون در بیضی نشان داده شده است

همانطور که شکل ۱ نشان می دهد فرض شد دلبستگی به هر والد از طریق میانجی گری تصور از خدا، ارتقا دهنده تصور توانایی اکتشافی از خود است.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی و غیرآزمایشی است که در آن از روش مدل یابی معادلات ساختاری بهره گرفته شده است. جامعه آماری، کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه های بیرجند، تشکیل داده اند. بر پایه پیشنهاد جیمز استیونس^۱ در نظر گرفتن ۱۵ مورد برای هر متغیر پیش بین در تحلیل رگرسیون چند گانه مناسب می باشد (هومن، ۱۳۸۴). لذا حجم نمونه با احتمال ریزش ۵ درصدی ۴۵۰ نفر به صورت نمونه برداری چند مرحله ای در بین دانشجویان داوطلب هر کلاس توزیع شد. از این تعداد، ۱۸ پاسخنامه به دلیل مخدوش و یا ناقص بودن از تحقیق خارج شد و نمونه نهایی را ۴۳۲ نفر تشکیل دادند. جهت بررسی اعتبار ابزارها از آلفای کرونباخ و روایی سازه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. ابزارهای مورد استفاده عبارت بودند از:

مقیاس دلبستگی نسبت به هر والد^۲: این آزمون توسط هازان و شیور^۱ (۱۹۸۶)؛ نقل از شهبابی زاده و همکاران، (۱۳۸۵) براساس طبقه بندی های دلبستگی نوزادان در

^۱- James Stevens

^۲-Measurd of Childhood Attachment to Each Parent

توصیف های اینسورث^۲ و همکاران تهیه (۳ گزاره برای هر والد) و توسط مظاهری در سال (۱۹۹۷؛ نقل از تقی یاره و همکاران، ۱۳۸۴) به فارسی ترجمه شده است. این آزمون روابط دوران کودکی پاسخ دهنده را با پدر و مادر بر اساس هر یک از سبک های دلبستگی ایمن^۳، اجتنابی^۴ و دوسوگرا^۵ توصیف می کند. در مطالعه شهبابی زاده و همکاران (۱۳۹۰) جهت غلبه بر محدودیت ناشی از روایی، جملات هر پاراگراف به صورت گویه های جداگانه مطرح شد لذا در مطالعه حاضر نیز مقیاس چند گویه ای برای هر والد اجرا شد. تحلیل مؤلفه های اصلی با چرخش ابلیمین ساختار ساده ۴ عاملی همخوان با مبانی نظری ابزار را نشان داد.

مقیاس تصور از خدا (GIS):^۶ مقیاس تصور از خدا، بازسازی مقیاس ۷۲ ماده ای لارنس^۷ است که توسط متخصصان زبان شناسی به فارسی برگردانده شد. لارنس این مقیاس را به عنوان زیر مجموعه و فرم کوتاه شده پرسشنامه تصور از خدا ساخت. پایایی و روایی این مقیاس و همبستگی درونی زیر مقیاس ها در مطالعات متعدد رضایت بخش گزارش شده است (لارنس، ۱۹۹۷ و هال و سورنس^۸، ۱۹۹۹). بر اساس این مقیاس، مظاهری و همکاران (۱۳۸۴) مقیاس ۳۳ ماده ای تصور از خدا را با توجه به «فرهنگ جامعه اسلامی» در ۶ زیر مقیاس، بازسازی کردند که عبارتند از: «تأثیر پذیری»، «مشیت الهی»، «حضور»، «چالش»، «پذیرندگی» و «خیرخواهی»، که توصیف کوتاهی از چگونگی تصور فرد از خدا می باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۵). صادقی (۱۳۸۴) در مطالعه مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان پایایی آن را توسط آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کرده است. گفتنی است که تحلیل مؤلفه های اصلی با چرخش ابلیمین بررسی و ساختار ساده ۳ عاملی شامل حضور و چالش، پذیرندگی و خیرخواهی و تأثیر پذیری و مشیت الهی به دست آمد.

¹ -Hazan, c. & Shaver

² -Ainswort

³ -Secure

⁴ -Avoidant

⁵ -Ambivalent

⁶ -God Image Scale

⁷ -Lawrence

⁸ -Hall & Sourence

پرسشنامه تصور از خود بک (BSCT)^۱: این آزمون که در سال ۱۹۷۸ توسط بک و استیر^۲ و بر اساس نظریه شناختی بک تهیه گردیده است، دارای ۲۵ ماده است، که هر یک از مواد بر اساس روش درجه بندی شامل ۵ اظهار نظر است که این اظهار نظرها از کاملاً مثبت تا کاملاً منفی درجه بندی شده اند. بک و همکاران (۱۹۸۵)؛ نقل از ملازمانی و فتحی آشتیانی، (۱۳۸۷) اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد به ترتیب پس از یک هفته و سه ماه ضریب ثبات ۰/۸۸ و ۰/۶۵ گزارش نمودند. همچنین همسانی درونی برای این مقیاس ۰/۸۰ گزارش شده است. قابل یادآوری است که در پژوهش حاضر در بررسی روایی، شاخص کفایت نمونه برداری ۰/۸۲ بود و آزمون بارلت نیز معنادار به دست آمد، لذا از تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین استفاده شد که نتایج ساختار سه عاملی گویه‌های جذابیت و تصور مثبت از قیافه، توانمندی ذهنی و تصور پرتلاش و سخت کوش بودن را نشان داد.

یافته‌ها

به منظور تبیین تصور از خود بر پایه مدل یابی، مفروضه‌های معادلات ساختاری در مدل مورد مطالعه بررسی شد.

الف) اندازه‌گیری متغیرها در سطح فاصله‌ای: طبق گفته هومن (۱۳۸۴) اگر تعداد طبقه‌های رتبه‌ای ۵ یا بیشتر باشد، احتمالاً می‌توان با آنها (البته با کمی خطا) مانند داده‌های فاصله‌ای رفتار کرد.

ب) یکسانی پراکندگی متغیرهای درون‌زا: به گونه کلی یکسان نبودن پراکندگی رگرسیون‌های چند متغیری مدل‌های لیزرل را ناروا نمی‌سازد، بلکه آنها را ضعیف می‌کند (پدهازر^۳، ۱۹۸۲؛ نقل از نقل از شهابی‌زاده و مظاهری، ۱۳۹۱)، زیرا روش‌های رگرسیون‌های چند متغیری از جمله بیشینه احتمال، نسبت به تخطی از نرمال بودن توزیع جمله‌های خطا مقاوم می‌باشد (هومن، ۱۳۸۴). پ) بنا بر نظر بسیاری از صاحب نظران (از جمله آشر^۴، ۱۹۸۳؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴) همبستگی‌های کمتر از ۰/۸ بین متغیرهای برون‌زا نشان دهنده فقدان هم خطی بودن چندگانه است و نتایج

^۱ -Beck Self-Concept Test

^۲ -Beck & Steer

^۳ - Pedhazur, E.

^۴ -Asher, H. B.

حاصل از ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ بیانگر تأیید مفروضه مذکور است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای دلبستگی به والد، تصور از خود و خدا

	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱- ایمن به مادر										۱
۲- نایمن به مادر									۱	۰.۸۶۰*
۳- ایمن به پدر								۱	۰.۸۵۰*	۰.۸۵۰*
۴- نایمن به پدر							۱	۰.۳۱۳*	۰.۴۰۰*	۰.۵۵۰*
۵- جذابیت جسمانی						۱	۰.۴۱۷*	۰.۴۱۱*	۰.۶۷۰*	۰.۵۰۸*
۶- تلاش				۱	۰.۱۷۸*	۰.۴۸۷*	۰.۶۸۷*	۰.۶۸۷*	۰.۵۰۷*	۰.۵۸۱*
۷- توانمندی ذهنی			۱	۰.۸۵۸*	۰.۸۰۵*	۰.۸۲۷*	۰.۸۰۷*	۰.۸۰۷*	۰.۸۲۷*	۰.۸۰۷*
۸- حضور و چالش			۱	۰.۸۱۴*	۰.۵۵۸*	۰.۶۵۷*	۰.۶۵۷*	۰.۵۰۸*	۰.۵۷۱*	۰.۶۳۸*
۹- پذیرش		۱	۰.۵۷۵*	۰.۴۲۷*	۰.۵۰۷*	۰.۶۵۷*	۰.۸۸۰*	۰.۳۷۰*	۰.۳۱۰*	۰.۶۵۰*
۱۰- تأثیرپذیری و مشیت	۱	۰.۳۳۰*	۰.۸۰۵*	۰.۸۰۰*	۰.۶۷۰*	۰.۶۰۰*	۰.۳۸۸*	۰.۶۳۰*	۰.۸۳۸*	۰.۴۲۷*
	(۱۷/۰)۲۷/۳	(۸۷/۰)۳۸/۳	(۳۸/۰)۲۸/۰	(۶۵/۰)۱۳/۸	(۴۳/۰)۳/۸	(۳۵/۰)۲۳/۸	(۶۸/۰)۱۳/۸	(۶۸/۰)۱۳/۸	(۶۱/۰)۵۴/۸	(۱۸/۰)۲۷/۰
										M (SD)

* همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۱ ** همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۵

قابل ذکر است پس از مقایسه ماده های عامل بندی شده بر پایه تحلیل عاملی و مبانی نظری، میانگین هر عامل ناشی از تحلیل عاملی به عنوان نشانگر در نظر گرفته شد. طبق نظر بارون و کنی (۱۹۸۶؛ نقل از توکار و دیگران، ۲۰۰۳) جهت بررسی نقش

میانجی‌گری تصور از خدا در مدلی جداگانه نقش مستقیم متغیر برون‌زا دلبستگی دوران کودکی بدون حضور متغیر میانجی‌گر بر تصور از خود بررسی شد. چنانکه مسیری که در مدل مذکور معنادار است اما در مدل اصلی با حضور متغیر سوم معناداری خود را از دست بدهد، متغیر پیش‌بین دوم حکم میانجی‌گر دارد. طبق پیشنهاد هوپر، کالگن و مولن (۲۰۰۸)، نقل از شهابی زاده و مظاهری، (۱۳۹۱) در دستورالعمل مربوط به گزارش شاخص‌های مناسب برازندگی الگو، مجذور خی به همراه درجه آزادی، ریشه دوم واریانس خطای تقریب^۱، شاخص برازندگی تطبیقی و شاخص برازندگی نرمال در بررسی مدل حاضر مد نظر قرار گرفت. شاخص‌های مقایسه^۲ نیز با ایجاد ترتیب نسبی برای مدل‌های مختلف، جهت مقایسه مدل با مدل‌های رقیب دیگر در نظر گرفته شد (جورسکاک^۳ و سوربوم^۴، ۱۹۸۴؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴).

نمودار مسیر میانجی‌گری تصور از خدا در شکل ۱ نشان داده شده است. بر اساس شاخص‌های پیشنهادی مدل خطای مشترک بین دو متغیر دلبستگی ایمن به پدر با دلبستگی ایمن به مادر آزاد شد. چون شاخص‌های برازندگی تطبیقی و شاخص برازندگی نرمال به ترتیب برابر ۱ و ۰/۹۹ است (هوایل^۵ و پانتر^۶، ۱۹۹۵؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴)، می‌توان استنباط نمود مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد. شاخص‌های مقایسه نیز ۰/۱۵ و در فاصله اطمینان قرار گرفت که بیانگر تقریب معقولی در جامعه است، افزون بر این ریشه دوم واریانس خطای تقریب ۰/۰۲۷ (کمتر از ۰/۰۶)، در فاصله اطمینان قرار گرفت (هیو و بنتلر، ۱۹۹۹؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴)، البته مقدار مجذور کای نیز در سطح ۰/۰۵ ($p=0/22$) معنادار شد. در مدل حاضر مقدار مجذور همبستگی چندگانه سلامت روان ۱۳ درصد به دست آمد.

^۱- Root mean square error of approximation (RMSEA)

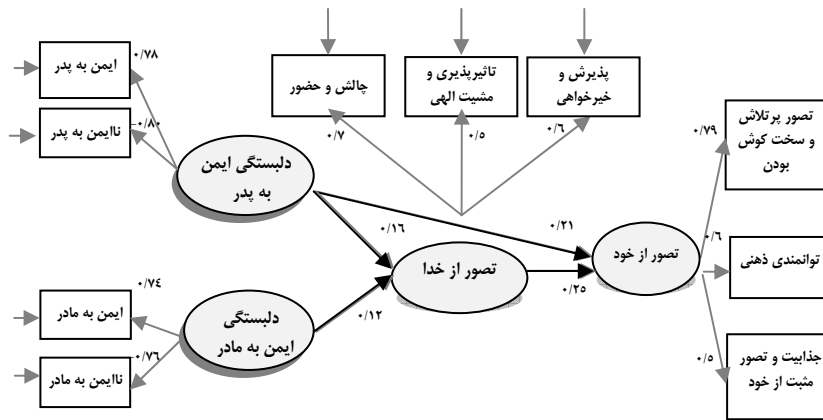
^۲- Expected cross – validation index

^۳- Joreskog, K. G.

^۴- Sorbom, D.

^۵- Hoyle, R. H.

^۶- Panter, A. T.



شکل ۲. ضرایب استاندارد مدل سازه های مکنون در بیضی و متغیرهای مشاهده شده در مربع نشان داده شده است.

همه ضرایب در سطح ۰/۰۵ معنادار است. $\chi^2=13/18$; $df=10$ ؛ ریشه دوم واریانس خطای تقریب $=0.027$ (۰/۰۶؛ ۰/۰۰)؛ شاخص برازندگی تطبیقی $=1$ ؛ شاخص روایی مقاطع $=0.15$ (۰/۱۸؛ ۰/۱۴)

همانطور که شکل ۲ نشان می دهد مسیر دلبستگی ایمن به پدر به طور مستقیم $\beta=0.21$ ، $P<0.05$ و غیرمستقیم از طریق تصور از خدا (۰/۰۴) با تصور توانایی اکتشاف از خود (توانمندی ذهنی و تلاش و سخت کوشی) سهم مثبتی نشان داد، اما دلبستگی ایمن به مادر تنها به طور غیر مستقیم از طریق افزایش تصور مثبت از خدا (تصور خدای کنترل کننده و تعلق پذیری به خدا) $\beta=0.12$ ، $P<0.05$ ، با تصور از خود مسیر معناداری نشان داد (۰/۰۳)، که البته سهم غیرمستقیم ایمنی به مادر نسبت به پدر بیشتر به دست آمد. به منظور درک روشن تر نقش میانجی گری تصور از خدا طبق نظر بارون و کنی (۱۹۸۶؛ نقل از شهابی زاده و مظاهری، ۱۳۹۱)، مدل جداگانه ای نقش مستقیم تاریخچه دلبستگی را بر تصور از خود بدون حضور متغیر میانجی گر بررسی نمود. شاخص های برازندگی تطبیقی و برازندگی نرمال به ترتیب برابر ۰/۹۹ و ۰/۹۸ و ریشه دوم واریانس خطای تقریب ۰/۰۵۸ نیز کمتر از ۰/۰۶ به دست آمد، شاخص روایی مقاطع (۰/۱۷) نیز در فاصله اطمینان قرار گرفت. افزون بر این مقدار مجذور کای در سطح ۰/۰۵ غیر معنادار شد که بیانگر برازش مناسب مدل است. طبق نتایج ضرایب استاندارد شده مدل مستقیم دلبستگی ایمن به والد به ترتیب بر تصور از خود $\beta=0.15$ ، $P<0.05$ معنادار شد، که البته در مدل حاضر با حضور تصور از خدا، مسیر دلبستگی ایمنی به مادر و تصور از خود غیرمعنادار می شود ($P>0.05$)، لذا استنباط می شود تصور از خدا میانجی گر نقش

کارکرد ایمنی به مادر (پایه ایمنی) و پیامد این کارکرد (تصور توانایی اکتشافی از خود) است. در مجموع ایمنی به پدر بیشترین سهم را نسبت به مادر بر افزایش تصور توانایی ذهنی و اکتشافی از خود نشان داد.

بحث

در پژوهش حاضر به بررسی نقش میانجی گر فرایند انطباق تصور از خدا در چگونگی نقش پایه ایمنی ادراک دلبستگی بر تصور اکتشافی از خود پرداخته شد. نتایج مدل حاضر در خصوص رابطه بین تاریخچه دلبستگی بر تصور از خود حاکی از معنی دار بودن نقش مستقیم دلبستگی ایمن به والد بر تصور از خود بود. بنابراین می توان گفت نظام دلبستگی از جمله عوامل پیش بینی کننده تصور از خود می باشد که این یافته با نتایج پژوهش های کرک پاتریک و شیور (۱۹۹۰)، بری^۱ و همکاران (۲۰۰۷)، رضانی (۱۳۹۱) و صفایی و همکاران (۱۳۹۰) همخوان می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت در افراد ایمن به دلیل دریافت فیدبک های مثبتی که از جانب مراقبان خود دریافت می کنند یک حس امنیت و اعتماد شکل می گیرد و به همین دلیل زودتر وارد اجتماع و تعاملات اجتماعی می شوند (اکتشاف و جستجو) که این تجارب مثبت حس ارزشمندی و تصویری مثبت از خود (تصور توانمندی ذهنی و سخت کوشی) را در افراد ایمن ایجاد و تقویت می کند (وو^۲، ۲۰۰۹). دوزیر و لی^۳ (۱۹۹۵) نیز دریافتند که افراد با سبک های دلبستگی متفاوت، دیدگاه متفاوتی درباره خود دارند. در واقع سبک های دلبستگی تفاوت های فردی را در اعتقاد افراد نسبت به خود و دیگران و همچنین عملکرد بین فردی و خود تنظیمی آن ها منعکس می کند (بری و همکاران، ۲۰۰۷). در دلبستگی ایمن مراقبان همواره بازخورد مثبتی را به شیوه مؤثر و در زمان مناسب ارائه می دهند و به کودکان اجازه می دهند تا احساس اعتماد و وابستگی به مراقبان خود را رشد دهند. افزون بر این کودکان خودپنداره مثبتی را در مدت دریافت بازخورد قابل پیش بینی و مستمر از مراقبان شکل می دهند و خودشان را به عنوان فردی دوست داشتنی می پذیرند، در برابر، کودکان با دلبستگی نایمن بازخورد کمتر و در بهترین حالت غیرمستمر از مراقبان دریافت می کنند. در این وضعیت غیرپشتیبانی کننده و ناپایدار، این کودکان

¹ - Berry

² - Wu

³ - Dozier & Lee

الگویی از افراد دیگر را به صورت افراد غیرقابل اعتماد و غیرقابل پیش بینی ایجاد می‌کنند و خودشان را به صورت فردی غیردوست داشتنی می‌پندارند (لیری^۱ و همکاران، ۱۹۹۵؛ نقل از صفایی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین همچنان که دیمون و هارت^۲ (۱۹۸۲) بیان کرده‌اند چنانچه رابطه دلبستگی یک رابطه مثبت و چهره دلبستگی یک پایگاه ایمنی بخش باشد کودک خود را فردی ارزشمند قلمداد می‌کند و خودپنداره مثبتی در او شکل می‌گیرد و چنانچه چهره دلبستگی طرد کننده و یا بی ثبات در مراقبت از کودک باشد، کودک خودپنداره منفی خواهد داشت.

از سوی دیگر اگرچه مدل مستقیم دلبستگی ایمن به والد بر تصور از خود معنادار شد اما طبق مدل پژوهش حاضر با حضور تصور از خدا، مسیر دلبستگی ایمنی به مادر و تصور از خود غیر معنادار شد، لذا استنباط می‌شود تصور از خدا میانجی گر نقش کارکرد ایمنی به مادر (پایه ایمنی) و پیامد این کارکرد (تصور توانایی اکتشافی از خود) است که این حالت تأیید کننده فرضیه انطباقی می‌باشد و نشان دهنده اهمیت تصور از خدا بر تصور از خود در ارتباط با دلبستگی ایمن به مادر است.

فرضیه انطباقی بیان می‌کند مدل‌های اساسی روابط دلبستگی اولیه، پایه تصورات از خدا می‌باشد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت افرادی که الگوهای دلبستگی ایمن دارند، تصور آنها از خدا مثبت بوده و خداوند را مهربان - حمایت گر و مراقبت کننده تصور می‌کنند و در مقابل افرادی که در ارتباط دلبستگی اولیه آسیب دیده‌اند دیدگاه منفی نسبت به خدا داشته و خداوند را دور از دسترس، طرد کننده و تنبیه کننده تصور کرده‌اند به طوری که کرک پاتریک (۱۹۹۹؛ نقل از رجایی و همکاران، ۱۳۸۸) نیز معتقد است افرادی که خدا را پناهگاه امن^۳ و تکیه گاه مطمئن^۴ برای خود می‌دانند و معتقدند که خدا در آن واحد می‌تواند همه جا باشد، به همه چیز علم دارد و قادر مطلق^۵ است، بهتر آمادگی دارند به خدا تکیه و اعتماد کنند و کارهای خود را به او واگذارند. در مجموع با توجه به مسیر معنادار ایمنی به مادر از طریق تصور تعلق پذیری و کنترل بر تصور توانایی اکتشاف از خود (توانمندی ذهنی و تلاش و سخت کوشی) به نظر می‌رسد پایه

^۱ -Leary

^۲ -Damon & Hart

^۳ -haven of safty

^۴ -secure of base

^۵ -omnipotent

ایمنی چهره دلبستگی از یک سو باعث احساس تعلق پذیری و حضور و ادراک حمایت خدا و توکل بر خدا می شود، در نتیجه در محیط کاوش نموده و عملکرد وی در محیط تسهیل می شود و از سوی دیگر باعث افزایش احساس نقش کنترل کنندگی خدا (اثرپذیری و مشیت الهی) و احساس پذیرفته شدن از سوی خدا شده، و اینکه فرد احساس می کند تنها نیست و خداوند نیز در تعیین سرنوشت زندگی او دخیل است، لذا اعتماد به خداوند در زندگی و مواجهه با مسائل افزایش می یابد و در نتیجه باعث افزایش تصور تلاش و سخت کوشی و همچنین احساس توانمندی ذهنی در فرد می شود.

همسو با پژوهش رابرتز (۱۹۸۹؛ نقل از خاکساری، ۱۳۸۵) در الگوی مفهومی مطالعه حاضر نیز نقش معنادار تصور از خدا بر تصور از خود معنادار شد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که چگونگی ادراک فرد از خدا در ادراک او از خودش تأثیر می گذارد. اما این یافته با نتایج بسیاری از پژوهش های قبلی از جمله تیزدل و همکاران (۱۹۹۷؛ نقل از حدادی و غباری، ۲۰۱۱)، پارگامنت (۱۹۹۷؛ نقل از غباری، ۱۳۸۸)، ریزاتو (۱۹۷۹؛ نقل از لارنس، ۱۹۹۷) و بنسون و اسپیلکا (۱۹۷۳؛ نقل از حدادی و غباری، ۲۰۱۰) متناقض است چرا که در مطالعات مذکور تصور از خود در ارتباط با ویژگی های ظاهری و جسمانی بود، به همین دلیل انتظار بر این بود که تصور از خود تبیین کننده تصور از خدا باشد، اما در مطالعه حاضر تصور از خود در بر گیرنده توانمندی های ذهنی و میزان تلاش و شایستگی می باشد، لذا طبق مدل تصور خدای کنترل کننده و مهربان و احساس تعلق پذیری به خدا، موجب احساس داشتن پناهگاه مطمئن و ادراک حمایت خدا می شود، و در نتیجه بر میزان اکتشاف، شایستگی و تلاش فرد و ادراک توانمند بودن فرد در برابر شرایط محیطی اثر گذاشته و موجب ارتقای فرد می شود. به طوری که گرین وی^۱ و همکاران (۲۰۰۳؛ نقل از غباری و حدادی، ۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین ویژگی های شخصیتی منفی توأم با عدم شایستگی فرد و تصویر ذهنی منفی از خداوند رابطه وجود دارد. انجمن مشاوره آمریکا (۲۰۰۵؛ نقل از زرین لک و طباطبایی، ۱۳۹۱) نیز در پژوهشی نشان داد داشتن یک رابطه ایمن با خدا همواره می تواند تعدیل کننده حرمت خود پایین باشد.

به طور کلی با توجه به یافته های حاضر دلبستگی ایمن به پدر به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق تصور از خدا (حمایت کننده فرضیه انطباق) تصور از خود را موجب

^۱ -Greenway

می شود اما مورد ایمنی به مادر، آن از طریق تاثیرگذاری بر تصور از خدا، در جهت افزایش تصور از خود پیش می رود، که به نظر می رسد فرایند انطباق مذهبی درباره مادر تبیین کننده تصور از خود است، پرسینگر (۱۹۹۸؛ نقل از سپاه منصور و همکاران، ۱۳۸۷) نیز معتقد است افراد هنگام درماندگی همان ارتباطی را با خدا دارند که در طول دوران کودکی با والدین خود داشته اند، برای مثال چون کودک می بیند که والدین او در دسترس و پاسخگو هستند و خواسته های او را معقولانه برآورده می کنند، بنابراین فکر می کند که خدا نیز در صورت نیاز همیشه در دسترس و پاسخگو است که این حالت تأیید کننده فرضیه انطباقی می باشد. بنابراین تصور از خدا که ناشی از فرایند انطباق با مدل های روانی از والد است، پیش بینی کننده تصور از خود می باشد. اما در ارتباط با دلبستگی به پدر، ایمنی به پدر از هر دو طریق فرایند انطباق و مستقیم بر تصور از خود اثرگذار می باشد. بر این اساس به نظر می رسد والدینی که به فرزندان خود اجازه می دهند تا در مورد مسائلی که مستقیماً به آنان مربوط است به صورت آزادانه تصمیم بگیرند و خود به عنوان راهنمای آنان عمل می کنند و علاوه بر آن در تصمیمات مشترکی که خانواده وجود دارد آنان را شرکت می دهند، نیاز به خودمختاری را در آنان تسهیل نموده و زمینه تلاش برای کمال و تحقق نیروهای بالقوه فردی و افزایش کیفیت در روابط بین فردی را در آنان ایجاد می نماید. در این بین براساس نتایج پژوهش حاضر پدر نقش پررنگ تری دارد.

در مجموع با توجه به مدل پژوهش حاضر، ایمنی به پدر بیشترین سهم را نسبت به مادر بر افزایش تصور توانایی ذهنی و اکتشافی از خود نشان داد که در تبیین این یافته می توان به نظر کیم و رانر^۱ (۲۰۰۲) اشاره کرد. آنها بر این باورند که با توجه به اهمیت خانواده در فرهنگ های سنتی و این نکته که در این فرهنگ ها روابط در درون خانواده ها بر اساس احترام و اطاعت قرار دارد، دادن آزادی انتخاب و حق تصمیم گیری به فرزندان از طرف پدر، به عنوان بزرگ تر و مسؤول خانواده، می تواند تأثیر بیشتری بر ارضای به خودمختاری در فرزندان داشته باشد.

به هر حال در این راستا گروولنیک^۲ و همکاران (۱۹۹۷؛ نقل از تنهای رشوانلو و حاجی زاده ندف، ۱۳۹۱) ذکر کردند که افراد نیاز دارند به پدر و مادر خود احساس تعلق

^۱- Kim & Rohner

^۲-Grolnick

نمایند و در روابط خود با آنان احساس امنیت کنند. بر این اساس پدران و مادرانی که به نیازهای فرزندان خود حساس بوده و رفتار گرم و صمیمی توأم با تشویق نسبت به آنان داشته باشند، با ایجاد امنیت خاطر، نیاز به تعلق را در آنان ارضا خواهند کرد که این به نوبه خود بر افزایش تعاملات و کارکردهای اجتماعی آنان تأثیر مثبت دارد.

قابل ذکر است که محدودیت‌های پژوهش احتیاط‌هایی را در زمینه تفسیر و تعمیم یافته‌های پژوهش ایجاد می‌کند. محدود شدن جامعه آماری به دانشجویان و استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی از جمله محدودیت‌های این پژوهش هستند. برای رفع محدودیت‌های یادشده پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی از این نوع بر روی جوامع پژوهشی مختلف (از لحاظ سن، فرهنگ و...) انجام و روش‌های دقیق سنجش بالینی به ویژه مصاحبه ساختار یافته در کنار مقیاس‌های معتبر به کار برده شود. همچنین بررسی تأثیر و یا رابطه متغیرهای موردپژوهش (دلبستگی، تصور از خود و تصور از خدا) با سلامت روان می‌تواند نکته شایان توجهی در اجرای پژوهش‌های بعدی باشد، چرا که به نظر می‌رسد مداخلات دلبستگی و تقویت و پیگیری آموزش‌های مذهبی و در نتیجه شناخت و تصور مثبت از خداوند، منجر به شناخت بیشتری از خود می‌شود، و از آنجایی که شناخت خود باعث دسترس پذیری فرد به منابع صحیح روانشناختی خود در مواجهه با رویدادهای بحرانی می‌شود، شناخت خود در رشد سلامت روان نقش موثری دارد که در این راستا مطالعات متعدد نتایج را روشن‌تر خواهد نمود. به هر حال با توجه به مدل حاضر مشاور می‌تواند با برقراری ارتباط و تصور مثبت با خدا، مراجع را در جهت شناخت و ادراک دیدگاه مثبت نسبت به خود که لازمه ادراک مناسب محیط و برخورد با چالش‌ها است، ترغیب کند، واضح است که ارتباط مطلوب والد نیز، فرد را در مسیر تصور مثبت از خدا و در نتیجه ادراک مثبت از خود سوق می‌دهد.

پژوهش حاضر از پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی استخراج شده است.

منابع:

- پورعبدلی، م.، کدیور، پ.، و همایونی، ع (۱۳۸۷)، ارتباط بین شیوه های فرزند پروری مادر و فرزند پروری ادراک شده با مکان کنترل و خودپنداره فرزندان. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۳۷، ۱۲۸-۱۰۷.
- تقی یاره، ف.، مظاهری، م. ع.، و آزاد فلاح، پ (۱۳۸۴)، بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت گیری مذهبی در دانشجویان. مجله روانشناسی، ۹ (۱)، ۲۱-۳.
- تنهای رشوانلو، ف.، و حاجی زاده نداف، پ (۱۳۹۱)، بهزیستی روانشناختی و اجتماعی، افسردگی و اختلال در کارکرد اجتماعی دانشجویان: نقش حمایت از خودمختاری و گرمی والدین. مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان. دانشگاه گیلان، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ماه، ۲۲۰-۲۱۷.
- خاکساری، ز (۱۳۸۵)، تصور از خدا، عزت نفس و سلامت روانی در بین دانش آموزان دبیرستان های شهرستان میناب. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا.
- خوانین زاده، م.، اژه ای، ج.، و مظاهری، م. ع (۱۳۸۴)، مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی. مجله روانشناسی، ۹ (۳)، ۲۴۷-۲۲۷.
- رجایی، ع.، بیاضی، م. ح.، و حبیبی پور، ح (۱۳۸۸)، باورهای اساسی دینی و بحران هویت و سلامت عمومی جوانان. فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۶ (۲۲)، ۱۰۷-۹۷.
- رضانی، مریم (۱۳۹۱)، خود پنداره، سبک دلبستگی و روان نژندی. مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان. دانشگاه گیلان، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ماه. ۴۲۰-۴۲۱.
- زرین لک، ح. ر.، طباطبایی برزوکی، س (۱۳۹۱)، رابطه سبک دلبستگی و شیوه های والدگری ادراک شده با تجربیات معنوی و اعمال مذهبی. فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۸ (۳۱)، ۳۳۱-۳۰۵.
- سپاه منصور، م.، شهابی زاده، ف.، و خوشنویس، ا (۱۳۸۷)، ادراک دلبستگی دوران کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا. فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۴ (۱۵)، ۲۶۵-۲۵۳.
- شهابی زاده، ف (۱۳۹۰)، تدوین مدلی جهت تبیین پایگاه های هویت در ارتباط با مولفه عاطفی دلبستگی ادراک شده و کنش وری خانواده، و مولفه معنوی دلبستگی به خدا و مقابله مذهبی. پایان نامه دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- شهبابی زاده، ف.، و مظاهری، م. ع (۱۳۹۱)، دل‌بستگی ادراک شده دوران کودکی، کارکرد خانواده و مقابله مذهبی. فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۸(۳۱)، ۲۳۴-۲۲۱.
- شهبابی زاده، ف.، شهیدی، ش.، و مظاهری، م. ع (۱۳۸۵)، ادراک دل‌بستگی دوران کودکی و رابطه آن با دل‌بستگی به خدا در بزرگسالی. مجله روانشناسی، ۱۰ (۴): ۴۴۰-۴۲۲.
- صادقی، م (۱۳۸۴)، بررسی رابطه بین روش تربیتی دینی با تصور از خدا در دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- صادقی، م.، انصاری نژاد، ف.، فدایی، ز.، روبن زاده، ش.، و ابراهیمی، س. م (۱۳۸۸)، نقش سبک‌های تربیتی والدین در شکل‌گیری انواع خودها و فاصله بین آن‌ها در فرزندان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۵ (۱۸)، ۱۵۸-۱۳۹.
- صادقی، م.، و مظاهری، م. ع (۱۳۸۶)، کیفیت ارتباط والد- فرزند پیش شرط تربیت دینی فرزندان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳ (۹)، ۴۹۰-۴۷۱.
- صادقی، م.، مظاهری، م. ع.، و حیدری، م (۱۳۸۵)، میزان مذهبی بودن والدین، منابع متفاوت شناختی دینی و تصور از خدا. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۲ (۶)، ۱۶۱-۱۷۷.
- صادقی، م.، مظاهری، م. ع.، و ملک عسگر، س (۱۳۸۷)، والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا. مجله علوم رفتاری، دوره ۲، شماره ۱، ۹۶-۸۳.
- صفایی، ص.، بیگدلی، ا.، و طالع پسند، س (۱۳۹۰)، رابطه خودپنداره مادر با سبک دل‌بستگی و خودپنداره فرزند. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره. ۱(۲)، ۵۲-۳۹.
- غباری بناب، ب.، و حدادی کوهسار، ع. ا (۱۳۸۸)، رابطه اضطراب و افسردگی با تصویر ذهنی از خدا در دانشجویان. مجله علوم روانشناختی، دوره هشتم، شماره ۳۱، ۲۹۷-۳۱۴.
- غباری بناب، ب.، حدادی کوهسار، ع. ا (۱۳۸۹)، رابطه سلامت روانی با تصویر ذهنی از خدا و کیفیت دل‌بستگی در دانشجویان. مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران، دانشگاه شاهد. ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ماه، ۲۴۹-۲۴۸.
- فیض آبادی، س.، و خسروی، ز (۱۳۸۸)، سبک دل‌بستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیرخواهان طلاق شهرستان کاشان. اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۵، شماره ۳، ۵۴-۳۷.
- کاظمی، ا.، نوری، ا.، و قلی‌زاده، آ (۱۳۸۲)، بررسی رابطه بین خودپنداره و سازگاری اجتماعی کارکنان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۵ (۱۷)، ۱۱۸-۱۰۱.
- ملازمانی، ع.، و فتاحی آشتیانی، ع (۱۳۸۷)، تأثیر آموزش به شیوه ایفای نقش بر بهبود تصور از خود نوجوانان. مجله علوم رفتاری، دوره ۲، شماره ۱، ۶۶-۶۱.

- ولی زاده، ش.، صادقی افجه، ش.، اعلائی، ز.، و بردی اوزنی دوجی، ر (۱۳۸۹)، رابطه سبک‌های دلبستگی والدین با سازگاری هیجانی، رفتاری و اجتماعی دانشجویان. مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران، دانشگاه شاهد. ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ماه، ۵۵۰-۵۴۹.

- هومن، ح.ع (۱۳۸۴)، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت.

- Berry.K. & Barrowclough. C. & Wearden.A. (2007), A review of the role of adult attachment style in psychosis: Unexplored issues and questions for further research. *Clinical Psychology Review*, 27,458-475.
- Byrne, B.M. (1984), the General Academic Self Concept Nomological Network: A Review of Construct Validation Research. *Review of Educational Research*. 54, 427-456.
- Damon, w. & Hart, D. (1982), the development of self-understanding from infancy through adolescence. *Child Development*, 53,314-364.
- Dozier. M. Lee, S.W. (1995), Discrepancies between self-and other report of psychiatric symptomatology: Effects of dismissing attachment strategies. *Development and Psychopathology*. 7:217-226.
- Ghobary Bonab, B & Haddadi Koohsar, A.A. (2011), Relations between quality of image of God and mental health in parents of exceptional children. *The 2nd International Conference on Education and Educational Psychology, Procedia Social and Behavioral Sciences* 29, 227-231.
- Haddadi Koohsar, A.A & Ghobary Bonab, B. (2010), Relations between images of God with obsessive-compulsive behaviours in college students.*Procedia Social and Behavioral sciences* 5,979-982.
- Haddadi Koohsar, A.A & Ghobary Bonab, B. (2011), Relation between quality of image of God and mental health in college students. *Procedia Social and Behavioral sciences* 19, 247-251.

-
- Hall, T.W., and Sorence, R.L (1999), God image inventory (Lawrence,1991). In p.c. Hill & R.W. Hood. Measures of religiosity. Brimingham, Alabama: Religious Egcuation press, pp.399- 406.
 - Kirkpatrick, L. A., & Shaver and P. R. (1990), Attachment theory and religion:Childhood attachments, religious beliefs and conversions.Journal for the Scientific Study of Religion,29,315-334.
 - Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. (1992), An attachment-theoretical approach to romantic love and religious belief. Personality and Social Psychology Bulletin, 18, 266-275.
 - Kim, k., Rohner, R.P. (2002), Parental Warmth, Control, and Involvement in Schooling, Predicting Academic Achievement among Korean American Adolescents. Journal of cross-cultural psychology, 33(2), 127- 140.
 - Lawrence, R.T. (1997), Measuring the image of God: The God image inventory and the God image scale. Journal of Psychology and theology. 25(2): 214-226.
 - Tokar, David M., Withrow, Jason R., Hall, Rosalie J. & Moradi, Bonnie. (2003), Psychological Separation, Attachment Security, Vocational Self-Concept Crystallization, and Career Indecision: A Structural Equation Analysis, Journal of Counseling Psychology, 50 (1), 77-102.
 - Wu, C. H. (2009), The relationship between attachment style and self concept clarity: The mediation effect of celf esteem. Personality and Individual Differences, 47, 42-46.